

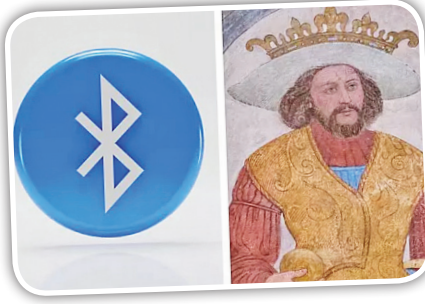
■ **حضرت امیر المؤمنین علی:** زبان جاهل، کلید مرگ اوست.

■ آذان ظهر: ۱۳:۱۱ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۰۷
 ■ آذان مغرب: ۲۰:۲۷ ■ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۳
 ■ آذان صبح: ۴:۳۸ ■ طلوع آفتاب: ۶:۱۴

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
 ■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی
 ■ سردبیر: دانیال معمار

گريبنويچ
<div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div></div></div>

بلو توث در تاریخ وایکینگ‌ها



کپنهاگ: تلاش برای شناسایی محل تدفین یکی از پادشاهان تاریخ دانمارک که برای نامگذاری فناوری بلو توث از اسم او الهام گرفته شده، منجر به اختلاف‌نظر بین باستان شناسان شده است. به گزارش یورونیوز، هارالد بلاتند، پادشاه پیشین دانمارک که در سال ۹۸۵ میلادی درگذشت، یکی از آخرین وایکینگ‌هایی بود که بر دانمارک حکمرانان این کشور بود. هارالد بلاتند به‌دلیل رنگ آبی یا تیره یکی از دندان‌هایش به «دندان آبی» (بلو توث bluetooth) ملقب شده بود. در یکی از وقایع نگاری‌های به‌جا مانده از قرون وسطی، محل تدفین هارالد بلاتند، راسکیله در دانمارک ذکر شده است. با این حال گروهی از باستان‌شناسان سوئدی و محققان لهستانی اخیراً به‌طور جداگانه به این نتیجه رسیدند که هارالد بلاتند احتمالاً در منطقه‌ای در شمال غربی لهستان به خاک سپرده شده بود. دلیل انتخاب لقب پادشاه پیشین دانمارک برای این فناوری بی‌سیم نقش او در ایجاد اتحاد بین بخش‌های بزرگی از منطقه اسکندیناوی بود.

تنها شعبه موزه لوور



ابوظبلی: امارات عربی متحده که تنها شعبه خارجی موزه معروف لوور فرانسه در این کشور قرار دارد متعهد شده است به تحقیقات درباره قاچاق آثار باستانی کمک کند و نتیجه آن را بپذیرد. اعتقاد بر این است که در جریان موج اعتراض‌ها از سال ۲۰۱۱ م معروف به بهار عربی، صدها شیء از مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه غارت شده است. به گزارش یورونیوز، محققان در فرانسه مشکوک هستند که این آثار پس از سرقت به گالری‌ها و موزه‌های سراسر جهان فروخته شده‌اند. تحقیقات در این زمینه از سال ۲۰۱۸ میلادی کلید خورد چرا که ۱۲ سال قبل از آن موزه لوور ابوظبلی یک سنگ گرانیت صورتی کمیاب را به فرعون توت عنخ آمون را به تصویر می‌کشد و ۱۴ اثر تاریخی دیگر را به قیمت ۸ میلیون یورو خریداری کرده بود.

ثروتمندترین زن آسیا



پکن: بانک هویان که با عبور ثروت خالصش از مرز ۲۴۰میلیارد دلاری جایگاه ششمین زن ثروتمند جهان طی یک سال گذشته متحمل زبانی ۲۴ میلیارد دلاری شده و ثروت خالص او به ۱۰٫۷ میلیارد دلاری رسیده که ۵۲٫۵درصد نسبت به سال گذشته سقوط کرده است. این زن ۴۰ساله چینی مدیر هلدینگ کاتری گاردن است که در زمینه ساخت‌وساز فعالیت دارد و در سال ۱۹۹۲ از سوی پدر او بیناگذار شده و از سال۲۰۰۵ نیز بانگ هویان به جای پدر سه‌همدار ۶۰درصد آن شده است. درآمد این هلدینگ در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۲۲میلیارد یون (۸۱میلیارد دلار) بوده است. همسر، خواهر و پسر عموی او دیگر اعضای این هلدینگ هستند و پدر خانم یانگ نیز از اعضای ارشد حزب کمونیست چین است. اما فروانی و مادام‌بواری را با ترجمه‌های رونوی نژولی داشته است. چنان‌که از ۹ماه پیش و با افشای بحران مالی اووگراند (Evergrande)، یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های انبوه‌ساز بخش خصوصی چین، افزون بر بازار مالی چین، سرمایه‌گذاران خارجی نیز با شوک مواجه شدند تا رکود حاکم بر بخش مسکن چین عیان شود.

همشهری

صفحه آخر

سحر بلبل حکایت با صبا کرد
که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد

حافظ

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
 ■ سایت‌روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
 ■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶: تهران، صندوق‌پستی۱۹۳۵۱۵۴۴۶
 ■ تلفن: ۰۲۲-۲۳۰۳۳۰۰، ۲۳۰۳۳۰۰، ۲۳۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری

■ توزیع و اشتراک: موسسه‌نشرگستر امروزین

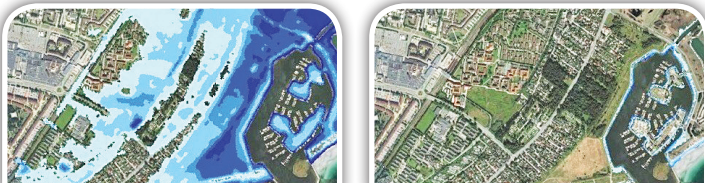
■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰

■ تلفن: ۰۲۲-۶۱۹۳۳۰۰۰

نقشه طغیان تا ۲۱۰۰ معلوم است



نقشه دیجیتالی بخشی از کشور دانمارک



خطر طغیان در آب و هوای کنونی

خطر طغیان در آینده و تغییرات اقلیمی

اشاره شد، سیستم‌های هشدار وقوع سیل نیز از دیگر امکانات بررسی وضعیت و کنترل بروز سیلاب در شهرهاست. این سیستم‌ها در حال توسعه هستند تا امکان پیش‌بینی وقوع سیل و ارسال هشدار به موقع به مردم مناطق در خطر بیش از پیش میسر شود. علاوه بر این کمی پیش از وقوع سیل، آب‌بند‌ها در مسیر سیل قرار گیرند تا وقوع سیل به مردم و اموال آنها آسیب وارد نکنند.

یک مجموعه هماهنگ / داده‌های به‌دست آمده از اطلس دیجیتال شهرهای کشور دانمارک، نقشه طغیان و سیستم‌های هشدار سیلاب مجموعه‌ای کار آمد است که توانسته مانع از آسیب‌های جانی و خسارت مالی به مردم دانمارک در زمان وقوع سیل شود.



اطلاعات زندگی روی زمین را به فضا ارسال کرد. کاری که بسیاری از یوفو دشمن‌پندارها آن را عقلانی ندانسته مدعی شدند ممکن است این اطلاعات موجب نابودی زمین توسط فضایی‌ها شود.از جمله شگفت‌انگیزترین اشیایی که به فضا رفتند باز هم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. در سازه چهره گالیله که از قطعات لگوساخته شده بود، پرچم مسابقه ناساکر، صای ضبط شده‌ای از یک چوپان که در حال «هی» کردن گله‌ای گوسفند است، اسباب بازی شخصیت Buzz Lightyear در انیمیشن داستان اسباب بازی‌ها، کلیبی صوتی از بارش باران، قطعه‌ای از هواپیمای ساخته شده توسط برداران رایت در سال ۱۹۰۳، چندین یو چند میمون مرده، مقداری از باقی‌مانده فیزیکدان مشهور، جرارد لوئیل، ۲۵۸۰۰ پیام کوتاه که در سال ۲۰۰۹ توسط استرالیایی‌ها در پروژه‌ای به‌نام «وردی از زمین» به Gliese58۱ ارسال شد، یک ساندریج همبرگر، یک پرینتر سه‌بعدی، کلیبی صوتی از یک آهنگری، نامه‌ای از جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا، ۸ قطعی نوشابه که در سال ۱۹۸۵ به فضا فرستاده شدند، Pizza Hut یکی از برندهای مشهور فست فود است که در سال ۲۰۰۰ مبلغی در حدود ۷۵۰هزار یوند پرداخت کرد تا نخستین شرکتی باشد که از فضا سفارش پیتزا دریافت می‌کند. این پیتزا برای فضاپنورد روسی، یوری اساجف، فرستاده شده بود. صدای ضبط شده خندیدن و بالاخره سمفونی شماره ۵ بتهوون.

کفش‌های مارادونا در جاکفشی فضا

دیه‌گو آرماندو مارادونا فرانکو، مشهور به مارادونا در دنیای فوتبال به خاطر بازی شگفت‌انگیزش و به ثمر رساندن گل جنجالی معروف به «دست خدا» در بازی با انگلیس در جام‌جهانی ۱۹۸۶ میلادی مشهور است. اما این فقط یکی از شهرت‌های اوست. جدای از زندگی پرچالش او حالا قرار است کفش‌های افسانه فوتبال جهان در جاکفشی و موزه که نعا در فضا جفت شود.
بله کفش‌های فوتبال او به فضا خواهند رفت. این رویداد پس از آن قطعی شد که طرفدارهای او خواستار چنین سفری برای کفش‌هایش شدند و حالا هم یک شرکت خصوصی این خواسته را عملی خواهد کرد.

در تاریخ علوم فضایی اشیایی زیادی از جو زمین خارج شدند که برخی از آنها برای انجام تحقیقات و بسیاری دیگر اما فقط به‌دلیل کنجکاوی‌های بشر، مباحث تبلیغاتی و جلب توجه رسانه‌ها انجام شد. باورش سخت است اما تا به حال اشیایی از جمله یک سیب، قطعی نوشابه، خودرو و حتی توب گلف از جو خارج شده به فضا رفته‌اند. بشر چندین بار هم به امید ارتباط برقرار کردن با موجودات فضایی که احتمال وجود آنها را می‌داد دیسک‌هایی حاوی

دغدغه

غول بنفش در تالاب انزلی

مریم ساحلی
سنبل آبی بی‌محابا در تالاب انزلی پیش می‌رود. غولی بنفش که تنوره می‌کشد و حرف می‌طلبد؛ شیطنانی که حضورش پژواک قدم‌های مرگ برای زیستمدان تالاب رنجور انزلی است. سنبل آبی به‌شدت مهاجم است. هجومش یعنی تکثیر با سرعت بسیار در پهنه‌های آب شیرین و ممانعت از تبادل اکسیژن و راه‌یافتن نور به اعماق آب. حضورش زیبا اما سهمگین و بحران‌آفرین است؛ چنان‌که این گیاه مهاجم نخستین موضوع پدافند غیرعامل زیستی کشور بوده است. گیاه سنبل آبی بومی آمازون است ولی حاشیه‌نشینان تالاب انزلی حالا آن را خوب می‌شناسند و می‌دانند که بذرهای دیگر پلیدش ۲۰ تا ۳۰ سال دوام می‌آورند. آنها می‌دانند چگونه حضور ۱۱ساله این گیاه بر زخم‌های ناسور تالاب افزوده است. عده‌ای می‌گویند که پای این مهمان ناخوانده با گردشگران بدین‌جا باز شده و بعضی دیگر معتقدند همراه با بذر برنج در گیلان شده است. حالا اما حکایت آمدنش هرچه که باشد به کناره، آنچه امروز



تقویم / زاہر روز

هستند که روش منحصر به فرد فارسی را چند گام به جلو برده است. محمد قاضی گرچه پیش از ۳۰ سال از آخر عمر خود را تنها با عینک می‌دید، با سبک می‌شنید و با صوتک سخن می‌گفت. اما تا او پسین روزهای عمر از کار و خلاقیت باز نایبستاده و بر تئجینه نفیس آفرینش‌های ادبی خویش گوه‌ری دیگر می‌افزود. نثر ترجمه‌های او چنان شیواست که آثارش سر مشقتی برای دیگر مترجمان به شمار می‌رود. او ۵۰سال مترجم کرد و نوشت و نتیجه تلاش او ترجمه ۶۸ اثر اعز از ترجمه ادبی و آثار خود او به زبان فارسی است. ضمن آنکه او روحیه‌ای شاد و منحصر به فرد داشت و وجود بیماری، خدش‌های به آن وارد



بوک مارک

اعتماد

آریل دورفمن
اعتراف می‌کنم که اوایل همین کار را می‌کردم یعنی با خودم می‌گفتم این کار فقط یک تقلید صاف و ساده است. معلم‌ها نامه می‌دادند و از نمره‌های بد و از شیطنت‌های بچه‌ها شکایت می‌کردند. آن وقت من امضای پدر و مادر بچه‌ها را جعل می‌کردم. اما چندان طولی نکشید که این بچه‌بازی‌ها را کنار گذاشتم و رفتم به یک مرحله‌ای که خلاقانه بود. همان‌طور که سوزانا بهم گفته بود نامه‌هایی می‌نوشتم با عذر و بهانه‌های پر آب و تاب، حتی پیشنهادهایی هم می‌دادم. خلاصه، از برکت ایسن کار من، خیلی از بچه‌ها هر وقت خوش داشتند از مدرسه جیم می‌شدند. بزرگ‌ترین پیروزی من آن روز بود که ناظم مدرسه نامه کم و بیش توهین‌آمیزی را به پدرم نشان داد که من به اسم او نوشته بودم. و در آن به سوسیس بسیار مخرفی اعتراض کرده بودم که توی مدرسه به زور به خوردمان می‌دادند؛ پدرم تأیید کرد که آن نامه را نوشته‌ام. اما بعد‌ها پیش من اعتراض کرد که لاید حافظه‌اش سر به‌سرش می‌گذارد چون اصلا پادش نمی‌آید چنین نامه‌ای نوشته باشد. اما مهم این بود که با مضمون نامه موافق بود؛ آن نامه درواقع هم سبک نوشتن او را نشان می‌داد هم فکرش را. آن وقت بود که فهمیدم سوزانا حق دارد که می‌گوید من علاوه بر تقلید فنی، دست نوشته آدم‌ها از عمیق‌ترین عواطفشان در وقت نوشتن هم تقلید می‌کردم. یعنی از روحشان.

دیالوگ

خوابم میاد

رضا مطاران
اگه از من بپرسید خواب بر رو بیشتر دوست داری یا بیداری؛ حتما میگم خواب. خواب چیزه عجیبیه! واقعن خوبه... اصن به جوریه! انگار هم هستی هم نیستی. این بی‌فکری و بی‌وزنی تو خواب که چیزی از دور برت نمی‌فهمی رو بسا هیجی تو دنیا عوض نمی‌کنم، ولی کاریش نمیشه کرد... باید بیدار شیم، مشکل منم همیشه، درست از همین‌جا شروع می‌شه. وقتی چشمم رو باز می‌کنم، وقتی متوجه می‌شم هنوز زنده‌ام؛ دوباره تنهام. مجبورم ادامه بدم و چیزی‌ام راضیم نمی‌کنه، حتی کار هر روز‌های که انتظارم رو می‌کنشه و به وقتی عاشقش بودم.



تکیه آخر



روایتی کوچک در باب فضیلتی بزرگ

در ستایش کناره گرفتن



سیداحمد بطحایی
داستان‌نویس

آدمی توأمان در یک دوآلیته ازلی وابدی استست، لذت کناره گرفتن و

ترس از دست دادن. از آدم ابوالبشر که ترس از دست دادن جاودانگی به دامان ابلیس کشانندش، تا همه فرزندان بعدش، تا نوک الان، تا ته فردا.

کناره گرفتن از منظر سیاسی موجه، از بعد وجودی مهم، از نظر گاه اخلاقی نیکو و از نظر روان‌شناختی عاقلانه است. با این حال همه این استدلال‌های جذاب لزوما عملیاتی نیست. جدا از آنکه یک تصور عمومی است که این شیوه زندگی غم‌انگیز و کسالت‌بار است. پس عیش و عشرت چه می‌شود؟ لذت و سرخوشی چطور؟ یا جنبه‌های زیبایی‌شناختی زندگی کجا می‌رود؟ خواه یا ناخواه ما در حال از دست دادنیم، در حال مردن، لقاح با نیستی، فنا. چه ترشش را به دل راه دهیم، با زبان بچشمیم و به نیش بکشیم، و چه ندهیم و نجشیم و نکشیم، ما در حال مردنیم. هر آنچه به ظاهر به‌دست می‌آوریم را روزی از دست می‌دهیم، در هر صالی فرافی نرفته است. در هر تمتعی، تفقدی. چوَنان مادری که یا خاک روی تن بی‌جان فرزندش می‌ریزد یا فرزندش چنین کند. لبیک عیش کناره گرفتن، این ترس –بخوانید ذلت –را ذوب کرده و می‌شوراند. وقتی کناره می‌گیری چوَنان عزت و بهجتی بر تو حاضر می‌شود که غم نرسیدن و نداشتن و ندیدن به دلت راه نمی‌یابد. به جایی می‌رسی که زندگی و مایه‌ها، فرزند و اهل بیت و خاندانت، حکم و حاکم و حکومت برایت می‌شود بسست و بی‌مایه‌تر از عرق شتر نجاست خوار و آب بینی بز و استخوان خوکی در دست‌های جزامی. و در اوج از دست دادن، شوق وصل به چیزی داری که مانی و باقی است، در یک معاشقه مینیمال، در یک داستان زنده؛ «رضا بقضاکت و تسلیم‌لا امرک».

عزائنه

درباره تکیه پهنه سمنان

همسایه‌امازاده

حمیدرضا محمدی
روزنامه‌نگار



تکایا و حسینیه‌های قدیم، بعضا در جوار مسجدی یا امامزاده‌ای برپا می‌شدند. یک نمونه‌اش، تکیه دهن‌جوشی در تهران است که در کمترین فاصله با حضرت صالح ابن موسی الکاکظم(ع) بنا شده، و نمونه دیگری که این‌جا به ذهن خطور می‌کند، «تکیه پهنه» در سمنان است. فضایی معنوی و مذهبی در زاویه جنوب شرقی مسجد جامع و گوشه شمال شرقی امامزاده یحیی(ع)، که از فضای روزگار، او نیز از فرزندان امام هفتم شیعیان است.



تکیه پهنه مانند تکیه تجریش، بر ساخته روزگار قاجار است اما با اختلافی نزدیک به یک قرن. پایه‌گذار آن را حاج‌ملاعلی حکیم‌الهی سمنانی نوشته‌اند. مردی از وارستگان این دیار که نزد تاجران تکیه، مظان‌نماهای آجری دالبردار در آجرکاری‌های اهالی به زادگاه خود بازگشت و به ارشاد مردم پرداخت و امامت مسجد سلطانی سمنان (مسجد امام کنونی) را بر عهده گرفت. او وقتی به شهر خود آمد، جز آنکه در امور دینی نقش مهم داشت، انبیه‌ای هم ساخت یا تمیم کرد. از جمله آنکه گرمابه پهنه در مجاورت مسجد جامع را تعمیر و تجدید کرد. و افزون بر آن، جایی ساخت برای اقامه عزای سیدالشهدا(ع). کار احداث آن، ۵ سال پیش از مشروطه آغاز شد و ۳ سال پس از آن پایان یافت و به شهادت اشعار محکوک بر کاشی‌کاری‌های تکیه که در وصف این بناست، نام او به‌عنوان بانی تکیه ذکر شده است. اگرچه وقتی کار تمام شد، ۳ سال بود که درگذشته بود و فرزندش آن را تکمیل کرد؛ «حاج‌ملاعلی سمنانی /آن یگانه طیب روحانی /این حسینیه را بُود بان/ یافت پایان به‌دست فرزندش»

تکیه که در راسته جنوبی بازار کهن سمنان (بازار پایین) واقع است و معماری‌اش هنر حاج‌غلام‌حسین معمارباشی، در آغاز سقف نداشت و مانند اکثر تکیه‌های قدیم مثل تکیه دولت در عصر ناصری با چادر مسقف می‌شد اما در میانه‌های روزگار پهلوی اول، یعنی حدود ۹۰سال پیش، سسقفی شیروانی شکل برای آن ایجاد شد که بر ستون‌های چوبی در مرکز و محل اتصال با جرزها استوار است. از ویژگی‌ها و تزیینات معماری بنا می‌توان به نیم‌ستون‌های آجری دور تاجران تکیه، مظان‌نماهای آجری دالبردار در آجرکاری‌های هره، شبک‌های چوبی، گل‌های فلزی نودان‌ها، کاشی‌کاری هفت‌رنگ در نمای حجره‌ها و کاشی معقلی به رنگ‌های لاجوردی، زرد، سیاه و سفید بر لچکی سردرها اشاره کرد. گرداگرد این تکیه نیز مانند نمونه تهرانی‌اش، در روزهای سال، جایی برای کسب‌وکار است و پر از دکان. اما در طبقه بالای این حجره‌ها، غرفه‌هایی است با ایوانی برای تماشای زنان و احتمالاً اشرف شهر در زمانه‌ای که کلباویبایی داشتند. و در میانه تکیه، سکوی کم‌تقاعی بود و هست برای برگزاری روضه‌خوانی و سنیه‌زنی یا برپایی تعزیه. تکیه پهنه هنوز هم همان رونق پس از مشروطه را دارد و خیل سئوکاران سمنانی را به‌سوی خود می‌کشاند.